

نگاهی گذرا به مقاله «آیه» در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی

محمد علی رضایی کرمانی

دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

«دایرةالمعارف بزرگ اسلامی»، نامی آشنا برای همه پژوهشگران و دانشوران فرهنگ و معارف اسلامی است که تاکنون هشت جلد آن به فارسی (تا نیمه حرف الف) چاپ و منتشر شده است.

در این نوشتار، فقط به نقد و بررسی بخشی از مقاله «آیه» در این دایرةالمعارف پرداخته شده است.

هر چند مقاله «آیه»، در حجم کم، اطلاعات سودمندی را در این باره به خواننده انتقال می‌دهد؛ ولی برخی از کاستیهای آشکار آن بدین گونه است: یادکردن برخی از مباحث زیرمجموعه اصطلاح «آیه»؛ عدم تناسب حجم برخی از مباحث با برخی دیگر؛ ترجمه نادرست؛ بعضی از مباحث با توجه به مأخذ اصلی؛ نادرستی برخی از مباحث نسبت به مأخذ یادشده (اقتباس نادرست)؛ نادرستی برخی از مطالب و ...

درآمد

دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، نامی آشنا برای همه پژوهشگران و دانشوران فرهنگ و معارف اسلامی است. اهداف بلند و روشن، حجم فراوان کار، به کارگیری متخصصان هر فن و عوامل دیگر، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی را به یک سازمان بزرگ علمی - پژوهشی تبدیل ساخته که نخستین اثر مهم آن،

دایرةالمعارف بزرگ اسلامی است که تاکنون هشت مجلد آن به فارسی (تا نیمه حرف الف) چاپ شده و سه مجلد از آن نیز به عربی برگردانده شده است (دایرةالمعارف الاسلامیة الکبری) (۱).

در این نوشتار کوتاه، فقط به بررسی نیمی از یک مقاله مختصر در دایرةالمعارف پرداخته شده است، از این رو بدون مقدمه به بررسی آن می پردازیم.

مقاله «آیه» دو و نیم صفحه از دایرةالمعارف را به خود اختصاص داده است (ج ۲، صص ۲۷۴-۲۷۷) (۲). درست نیمی از مقاله به معنای لغوی «آیه» و تحول و تطور آن در زبانهای گوناگون پرداخته، که این نوشتار به بررسی این بخش توجه نداشته است؛ از این رو فقط به بررسی نیمه دوم مقاله، که به اصطلاح قرآنی «آیه» پرداخته است، می پردازیم (۳) (صص ۲۷۵-۲۷۷) (۴).

فهرست مطالب این بخش از مقاله، بدین گونه است: شمارش واژه آیه در قرآن؛ معانی واژه آیه در قرآن؛ تعریف اصطلاحی آیه؛ شمارش آیات قرآن و دیدگاههای گوناگون؛ بلندترین و کوتاهترین آیه؛ نخستین و آخرین آیات نازل شده؛ آیات صاحب عنوان؛ و روابط و مناسبات آیات با یکدیگر. برخی از مطالب یاد شده، یک یا دو سطر و برخی نیم صفحه را به خود اختصاص داده است.

هرچند این مقاله در این حجم کم، اطلاعات سودمندی را درباره «آیه» به خواننده انتقال می دهد، ولی برخی از کاستیهای آشکار آن - به ویژه در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی - نیاز به یادآوری داشته، اصلاح آن را می طلبد.

برخی از کاستیهای این بخش از مقاله، این گونه است: یاد نکردن برخی از مباحث زیرمجموعه اصطلاح «آیه»؛ تناسب نداشتن حجم برخی از مباحث با برخی دیگر؛ ترجمه نادرست بعضی از مباحث با توجه به مأخذ اصلی؛ نادرستی برخی از مباحث نسبت به مأخذ یاد شده (اقتباس نادرست) و چند نکته دیگر.

از این رو به اختصار در باره برخی از این موارد گزارشی کوتاه آورده، سپس فهرست‌گونه آنها را یادآور می‌شویم.

روشن است که دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دایرةالمعارف تخصصی هریک از علوم اسلامی نیست؛ ولی سزاوار است در هر مقاله و در هرمدخل، فهرستی از مباحث مهم و مشهور آن، با نظم و ترتیب ویژه آن دایرةالمعارف آورده شود، تا خواننده‌ای که حتی با آن مدخل آشنایی ندارد با خواندن آن مدخل و مقاله، اطلاعات و گزارشهای شایانی را به دست آورد.

همچنین به این نکته نیز آگاهیم که عموماً در دایرةالمعارفها، یکی از عوامل بررسی مقاله‌ها، شمار کلمه‌های آن است و هزینه‌ها نیز بر همان اساس محاسبه می‌گردد؛ مانند این که گفته می‌شود که فلان مقاله دایرةالمعارف ۸۵۰ کلمه است. از این رو جای دارد در یکان‌یکان کلمه‌ها و جمله‌ها دقت شده و مورد نقد و بررسی قرار گیرند.

پس می‌توان گفت که نقد و بررسی ما در این نوشتار نیز - هرچند، گاهی به مواردی جزئی پرداخته‌ایم - با همین منطق و استدلال قابل توجیه و پذیرش است.

برای نمونه یادآور می‌شویم که در این مقاله - حتی در حد نام بردن و اشاره کردن - به این مباحث زیرمجموعه «آیه» پرداخته نشده است: افضل آیات؛ تعارض آیات؛ تکرار آیات؛ ثواب آیات؛ خواص آیات؛ طبقات آیات؛ فضایل آیات؛ فواصل آیات، و...

درحالی که یکی از مباحث زیرمجموعه «آیه» (روابط و مناسبات آیات با یکدیگر)، بسیار پر حجم آورده شده و نیم بیشتر بحث قرآنی «آیه» یا حدود ۳۰٪ کل مقاله را به خود اختصاص داده است که سزاوار به نظر نمی‌رسد. بیشتر این بحث (تناسب آیات)، ترجمه مطالب سیوطی در الاتقان فی علوم القرآن است که ضمن ترجمه نامناسب برخی از عبارتها، بعضی از مطالب مهم این بحث نیز - که در الاتقان وجود دارد - آورده نشده است.

نگاهی گذرا به کاستیهای مقاله «آیه»

اینک کاستیهای دیگر این بخش از مقاله را فهرست‌گونه - براساس مطالب آورده شده در مقاله - یادآور می‌شویم:

۱- در جلد ۲، صفحه ۲۷۶ می‌خوانیم: «معانی تبعی و فرعی آیه| که در لابه‌لای تفاسیر به آنها اشاره شده است، عبارت است از حکمی از احکام، قدرت و سلطه، ساختمان بلند و نیز: قصه، رسالت، شخص، کالبد، جماعت، سخن سودمند (نک: ابن منظور؛ راغب؛ مصطفوی)»^(۵).

ولی باتوجه به این که برخی از معانی یاد شده «آیه» کمتر در قرآن به چشم می‌خورد، بهتر بود از معانی دیگری که برای واژه «آیه» در قرآن می‌شناسیم، نام برده می‌شد؛ همچون: «پند و عبرت»، «عجیب و شگفت‌آور»^(۶).

همچنین باتوجه به عبارت «معانی تبعی و فرعی آیه| که در لابه‌لای تفاسیر به آنها اشاره شده است...»، سزاوار بود در پایان به جای سه مأخذ «لسان العرب، ابن منظور؛ المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مصطفوی»، یا دست کم در کنار آنها چند تفسیر ادبی معتبر آورده می‌شد، تا عبارت یادشده و نمونه‌ها و مأخذ آورده شده با یکدیگر همخوانی می‌داشت. و یا با آوردن عبارت «کتابهای لغت» در کنار کلمه «تفاسیر»، آغاز و انجام مطلب سازگارتر می‌گردید، بنگرید.

۲- در همین صفحه، آمده است: «یکی از معانی اصطلاحی «آیه»، کلمات، عبارات و یا جملاتی از قرآن است که سوره از آنها تشکیل می‌یابد و تعداد آنها در هر سوره‌ای معین و توقیفی است».

ولی «آیه» در اصطلاح علوم قرآنی دارای یک معنا بیشتر نیست و آنچه که در مأخذ به چشم می‌خورد، اختلاف در یادکرد از معنای «آیه» است، از این رو عبارت «یکی از معانی اصطلاحی آیه» درست نمی‌نماید. همچنین تعریف یاد شده از «آیه» - تا آن جا که در مأخذ بررسی شد - گویا در هیچ یک از تعریفهایی که در کتابهای علوم قرآنی از آن یاد شده، وجود ندارد؛ بلکه باتوجه به همه تعریفهای آورده شده، این عبارت درست‌تر و جامع‌تر است: «معنای اصطلاحی آیه، کلمات، عبارات و یا

جمله‌هایی از قرآن کریم است که آغاز و انجام آن معین و توقیفی است» (۷).

۳- در ادامه می‌خوانیم: «تعداد آیات قرآن از مسائل مورد اختلاف میان قراء صدراسلام بوده است. قراء مدینه دو رقم ۶۰۰۰ و ۶۲۱۴ را به دست داده‌اند؛ قراء مکه شمار آیات را ۶۲۱۹، قراء شام ۶۲۲۵ و قراء بصره ۶۲۰۴ و قراء کوفه ۶۲۳۶ گفته‌اند (سیوطی، ۲۳۲/۱؛ طبرسی، ۱۱/۱)».

ولی در مآخذ یاد شده (الاتقان، سیوطی، ج ۱، ص ۲۳۲؛ و مجمع‌البیان، طبرسی، ج ۱، ص ۱۱) این‌گونه از شمارش آیه‌ها یاد نشده است؛ بلکه در الاتقان در آغاز فقط به نقل از ابوعمرو دانی از شمارش آیات بدون ذکر سند و نسبت به قائل، سخن به میان آمده - که برخی از آن عددها با عددهای آورده شده در دایرة‌المعارف یکسان نیست - و سپس فقط سند شمارش آیات در نزد قاریان مدینه، مکه، شام، بصره و کوفه - بدون ذکر شمارش آیات - آورده شده است. همچنین در مجمع‌البیان طبرسی فقط سند عددهای یاد شده، آمده است و از شمارش آیات یاد نشده است. افزون بر این، برخی از شمارش آیات یاد شده، از ارقام مشهور نیست و درباره آن اختلاف است، همچون عدد مدنی (شمارش آیات در نزد قراء مدینه) (۸).

۴- سپس آمده است: «کوتاه‌ترین آیه را می‌توان «مدهامتان (الرحمن/۵۵/۶۴)» شمرد یا آیاتی مانند «الضحی» و «الفجر» یا فواتح سوره‌ها، بدان‌گونه که یاد شد». ولی پیش از این به فواتح سوره‌ها اشاره‌ای نشده است.

۵- همچنین می‌خوانیم: «شمار بسیاری از آیات قرآن در سوره‌های گوناگون دارای نامهای ویژه گشته‌اند که درباره خواندن یا حفظ کردن یا نوشتن و با خود همراه داشتن برخی از آنها احادیث یا اقوالی در میان مردم رایج است، برخی مستند و برخی غیرمستند».

هر چند شمارش کاملی از آیات صاحب عنوان در مآخذ دیده نمی‌شود، لیکن بیشترین ارقام یاد شده، حدود یکصد آیه است (۹). از این رو عبارت «شمار بسیاری از آیات قرآن...» درست نمی‌نماید، زیرا باتوجه به شمارش آیات

قرآن (۶۲۳۶)، این عبارت «شمار بسیاری...» به چند صد آیه ایماء و اشاره دارد. همچنین شمار اندکی از آیات صاحب عنوان درباره خواندن و حفظ و نوشتن و به همراه بردن آنها، احادیث و سخنانی رسیده است، بلکه بیشتر این آیات به خاطر فراوانی کاربرد در نزد فقیهان، اصولیان و دانشمندان اسلامی دارای نام ویژه گشته است؛ همچون آیه دین، اکمال، تطهیر، مباحله، نَفْر، سؤال، و ...

۶- همچنین می خوانیم: «وی [سیوطی] سپس از قول ابن عربی می افزاید...». ابن عربی در عبارت بالا مبهم آورده شده است، در حالی که در برابر همه دانشوران و دانشمندان یاد شده در این مقاله - و دیگر مقالات ابن دایرة المعارف - عموماً تاریخ تولد و وفات، مطابق با سال قمری و میلادی به چشم می خورد. شاید تشابه اسمی دو شخصیت با نام ابن عربی، تمایز را دشوار کرده است، ولی باتوجه به یادکرد سیوطی از کتاب ابن عربی (سراج المریدین)، مراد همان ابن عربی محدث است نه عارف. از این رو سزاوار است در برابر نام ابن عربی تاریخ تولد و وفات - همچون دیگر نامهای یاد شده در مقاله - بدین گونه آورده شود: (۴۶۸-۵۴۳ ق / ۱۰۷۶-۱۱۴۸ م) (۱۰).

۷- در ادامه آمده است: «در این زمینه [تناسب آیات] از ابوبکر محمد بن ابراهیم نیشابوری (۲۴۲-۳۱۹ ق / ۸۵۶-۹۳۱ م) به عنوان نخستین کس نام برده می شود».

گویا مراد از ابوبکر نیشابوری، محمد بن ابراهیم نیشابوری نیست، بلکه ابوبکر عبدالله بن محمد بن زیاد نیشابوری (۲۳۸-۳۲۴ ق / ۸۵۲-۹۳۶ م) است؛ زیرا مأخذ یاد شده، **الاتقان** سیوطی است که برگرفته و اقتباسی از **البرهان فی علوم القرآن** زرکشی است و در آنجا آمده که ابوبکر نیشابوری نخستین کسی بوده که در بغداد علم تناسب آیات را طرح افکنده است؛ از این رو باتوجه به زیست نامه ها، روشن می گردد که ابوبکر نیشابوری (م ۳۱۹ ق) - آن گونه که در مقاله دایرة المعارف آمده - اصلاً در بغداد سکونت نداشته است، بلکه ابوبکر نیشابوری (م ۳۲۴ ق) در بغداد رحل اقامت افکنده است (۱۱).

همچنین با نگرستن به **البرهان زرکشی**، این عبارت مقاله (نیشابوری

به عنوان نخستین کس [درباره تناسب آیات] نام برده می شود) بدین گونه قابل اصلاح است: نیشابوری به عنوان نخستین کسی است که در بغداد [درباره تناسب آیات] نامدار شده است (۱۲).

۸- و نیز می خوانیم: «سخن درست آن است که آیات قرآن برحسب وقایع است تنزیلاً و برپایه حکمت است ترتیباً و تأصیلاً».

این عبارت، ترجمه جمله‌ای از **الاتقان** سیوطی است که در پایان این بخش از مقاله دایرةالمعارف به آن اشاره شده است. اصل عبارت بدین گونه است: «وفصل الخطاب أنها على حسب الوقائع تنزیلاً و على حسب الحكمة ترتیباً و تأصیلاً» (۱۳). ولی ترجمه این عبارت - آن گونه که در بالا یاد شد - تحت اللفظی بوده و رسا و روان نیست، و خواننده را رهنمون نمی سازد. شاید ترجمه روانتر و نزدیک به همان عبارت آورده شده در مقاله، بدین گونه باشد: «سخن درست آن است که آیات قرآن از لحاظ نزول براساس رویدادها و وقایع است و از لحاظ ترتیب و اصل براساس حکمت است».

۹- همچنین در ادامه آمده است: «از میان همه مفسران مسلمان، آن که بیشترین توجه را به ربط و مناسبت آیات و سوره‌ها داشته است، طبرسی (د ۵۴۸ ق / ۱۱۵۳ م) است... و در طی تفسیر هر آیه ذیل عنوان «النظم» به شرح پیوند معنوی آن با آیات قبل و بعد پرداخته است». ولی با توجه به چند سطر بالاتر از این عبارت، که از تفسیر فخرالدین رازی در مقاله دایرةالمعارف یاد شده است و نیز چند سطر پس از آن که از **نظم الدرر فی مناسبات الآيات و السور بقاعی** یاد شده است، و نیز پس از بررسی این کتاب (نظم الدرر، بقاعی) که در حقیقت تفسیر ترتیبی قرآن براساس تناسب آیات و سوره‌هاست، یاد کردن از **مجمع البیان** طبرسی به عنوان کسی که بیشترین توجه را به تناسب آیات کرده است، سازگاری ندارد؛ بلکه تفسیر **مجمع البیان** در فهرست تفاسیری است که بیشترین توجه را به تناسب آیه‌ها و سوره‌ها داشته‌اند.

همچنین در تفسیر **مجمع البیان** در زیر هر آیه، عنوان «النظم» ویژه تناسب آیات به چشم نمی خورد، بلکه هر چند گاهی، با در نظر گرفتن بحث تناسب، عنوان

یاد شده (النظم) را آورده و تناسب آیات را تبیین ساخته است. از این رو تغییر عبارت «و در طی تفسیر هر آیه، ذیل عنوان «النظم» به شرح پیوند معنوی آن با آیات قبل و بعد پرداخته است»، بدین گونه سزاوار است نوشته شود: «و گاهی در تفسیر آیه‌ها، ذیل عنوان «النظم» به شرح پیوند معنوی آن با آیات قبل و بعد پرداخته است».

۱۰- و در پایان مقاله می‌خوانیم: «مهم‌ترین کتابی که تا کنون مستقلاً در زمینه کشف مناسبات آیات و سوره‌های قرآن مجید نوشته شده، نظم الدرر فی مناسبات الآیات و السور از ابوالحسن برهان‌الدین عمر بقاعی (۸۰۹-۸۸۵ ق / ۱۴۰۶-۱۴۸۰ م) است که چاپ آن در ۲۰ واندی مجلد در حیدرآباد دکن از ۱۳۹۰ ق / ۱۹۷۰ م تا فراتر از ۱۴۰۰ ق / ۱۹۸۰ م ادامه یافته است (حاجی خلیفه، ۱۹۶۱/۲-۱۹۶۲)».

ولی در هیچ‌یک از کتاب‌شناسی‌های علوم قرآن، نام کتاب (تفسیر) بقاعی این‌گونه یاد نشده است؛ بلکه بقاعی خود در مقدمه کتابش - و نیز در دیگر مآخذ - از نوشته‌اش چنین یاد کرده است: **نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور (۱۴)**.

همچنین **کشف الظنون حاجی خلیفه**، به عنوان مآخذ گزارش نظم الدرر بقاعی، درست نمی‌نماید؛ زیرا چگونه می‌تواند کشف الظنون که در قرن یازدهم تدوین یافته است از چاپ کتابی در قرن چهاردهم خبر دهد، بلکه کشف الظنون فقط از بقاعی و نام کتاب وی یاد کرده و آورده است که بقاعی در پایان کتاب نظم الدرر یادآور شده که تألیف کتاب از سال ۸۶۱ تا ۸۷۵ قمری (۱۴ سال) ادامه داشته است.

از این رو گزارش درست‌تر درباره کتابشناسی نظم الدرر این‌گونه است که این کتاب در بیست و دو جلد در حیدرآباد هند به چاپ رسیده است (چاپ اول) و در پایان هر جلد، سال انجام چاپ گزارش شده است، از این رو با توجه به جلد اول و آخر کتاب، چاپ همه آن از سال ۱۳۸۹ ق / ۱۹۶۹ م تا سال ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م ادامه یافته است. پس می‌توان گفت که تألیف این کتاب، توسط بقاعی در قرن نهم و تحقیق آن در قرن چهاردهم توسط محققان کتاب، هرکدام حدود چهارده سال را

به خود اختصاص داده است.

چند کاستی مختصر دیگر در ترجمه عبارتها و نیز برخی نکته‌ها درباره ویرایش ادبی مطالب دیده شد که برای اختصار از یادآوری آنها خودداری می‌کنیم. امید است در چاپهای بعدی جلد دوم دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، اصلاح این مقاله و زدودن کاستیهای آن و نمونه‌های مشابه را شاهد باشیم.



یادداشتها

- ۱- برای اطلاع بیشتر درباره سازمان اداری و علمی دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، رک کیهان فرهنگی، سال سیزدهم، شماره ۱۲۷، صص ۷۲-۱۰۳.
 - ۲- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (ج ۲)، چاپ اول، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش؛ چاپ دوم نیز در سال ۱۳۷۰ ش و چاپ بعدی نیز در سال ۱۳۷۴ ش بدون تغییر انجام پذیرفته است. پیش از انتشار همین مقاله نقد نگارنده، با جناب دکتر آذرتاش آذرنوش نویسنده بخش نخستین مقاله «آیه» در دایرةالمعارف و جناب دکتر احمد پاکتچی مسئول بخش علوم قرآن دایرةالمعارف، به گفتگو نشستیم و آنان درباره سیر و چگونگی تدوین این مقاله و لزوم بازنگری در آن، سخنانی را یادآور شدند.
 - ۳- نیمه نخستین مقاله، توسط دکتر آذرنوش تدوین گردیده که در این نوشتار به آن پرداخته نشده است و نیمه دوم، که این نوشتار بدان اختصاص دارد، توسط بخش معارف اسلامی مرکز دایرةالمعارف تدوین یافته است. لازم به یادآوری است که مقاله «آیه» در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی که به زبان عربی با عنوان **دایرةالمعارف الاسلامیة الکبری** منتشر شده، بدین گونه است:
- نیمه اول مقاله (معنای لغوی آیه و تحول و تطور آن در زبانهای گوناگون) همان بحث دایرةالمعارف بزرگ اسلامی به زبان فارسی است که به عربی برگردانده شده است. ولی نیمه دوم مقاله «آیه» - مورد بررسی مقاله حاضر - همان بحث دایرةالمعارف بزرگ اسلامی به زبان فارسی نیست، بلکه مطالبی با عنوان «الآیه فی القرآن» توسط دکتر احمد پاکتچی تألیف شده و به جای آن مطالب آورده شده است، از این رو مجموعه دو بخش، مقاله «آیه» را در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی به زبان عربی تشکیل داده است. نیمه دوم این مقاله نیز - همچون نیمه دوم مقاله «آیه» در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی به زبان فارسی جای درنگ و بررسی دارد. برای

نمونه یادآور می‌شویم که بیشتر این بخش به بررسی معانی گوناگون واژه «آیه» در قرآن پرداخته است (الآیه فی القرآن)، و مطالبی اندک درباره اصطلاح «آیه» از دیدگاه دانشمندان علوم قرآنی و نیز مباحث زیرمجموعه آن آمده است. به سخن دیگر، فقط سه بحث از مباحث زیر مجموعه اصطلاح «آیه» به گونه‌ای ناقص آورده شده است (تعریف اصطلاحی آیه، شمارش آیات، و آیات صاحب عنوان) که حدود ۲۵٪ بحث قرآنی «آیه» و کمتر از ۱۵٪ کل مقاله «آیه» را تشکیل می‌دهد. از مقایسه بخش دوم مقاله «آیه» در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی فارسی و عربی، این گونه به دست می‌آید که معانی واژه «آیه» در قرآن در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی به زبان فارسی، بسیار کوتاه و مختصر آورده شده، و «آیه» در اصطلاح علوم قرآنی و مباحث زیرمجموعه آن به گونه‌ای پررنگ و پرحجم یاد شده است؛ ولی در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی به زبان عربی (دایرةالمعارف اسلامية الكبرى) درست به عکس آن آورده شده است، بنگرید.

۴- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۲۷۵ (ستون چپ، سطر ۳۷) - ص ۲۷۷.

۵- مطالبی که از دایرةالمعارف در داخل گیومه نقل می‌شود، بدون ویرایش و اعمال نظر یاد می‌شود، زیرا کاستیهای ویرایش ادبی و فنی، سبک نشر و مسائل رسم الخطی و موارد دیگر نیز مورد نقد است، بنگرید.

۶- مانند معانی واژه «آیه» در سوره یوسف، ۷؛ فرقان، ۳۷؛ عنکبوت، ۱۵.

۷- الاتقان فی علوم القرآن، جلال‌الدین سیوطی، منشورات رضی، قم، ۱۳۶۳ ش، ج ۱ ص ۲۳۰.

۸- برای اطلاع بیشتر، رک: البیان فی عدای القرآن، ابوعمرو دانی، تحقیق غانم قدوری، منشورات مرکز المخطوطات و التراث و الوثائق، کویت، ۱۴۱۴ ق، ص ۷۹؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن، عبدالعظیم زرقانی، دار احیاء الکتب العربی، مصر، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۳؛ تاریخ قرآن، محمود رامیار، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲ ش، ص ۵۷۰.

۹- برای اطلاع بیشتر، رک: اصطلاح نامه علوم قرآنی، مرکز مطالعات و تحقیقات

اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۰۰؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، به کوشش بهاءالدین خرمشاهی، انتشارات دوستان و ناهید، تهران، ۱۳۷۷، ج ۱، صص ۷۳-۱۱۱.

۱۰- رک: الاعلام، خیرالدین زرکلی، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۶ م، ج ۶، ص ۲۳۰. گاهی ابن عربی عارف (م ۶۳۸ ق) را «ابن عربی» و ابن عربی محدث را «ابن العربی» یادآور می‌شوند، رک: همان، ج ۶، صص ۲۳۰ و ۲۸۱.

۱۱- محقق کتاب البرهان زرکشی، نیز نیشابوری را این‌گونه شناخته است، رک: البرهان فی علوم القرآن، بدرالدین زرکشی، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالجیل، بیروت، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۳۶، پاورقی.
۱۲- همان.

۱۳- الاتقان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۳۷۰.

۱۴- نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، برهان‌الدین بقاعی، اشراف و تحقیق شرف‌الدین احمد، چاپ دوم، دارالکتاب الاسلامی، قاهره، ۱۴۱۳ ق، ۲۲ جلد؛ و چاپ دیگر این کتاب بدین‌گونه است:.... تحقیق عبدالرزاق غالب المهدی، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ق، ۸ جلد. لازم به یادآوری است که نظم الدرر یک دوره کامل تفسیر ترتیبی قرآن (از سوره حمد تا سوره ناس) است، از این‌رو گاهی در فهرست تفاسیر نیز آورده می‌شود. همچنین برخی از مآخذ، برخلاف نوشته بقاعی در مقدمه کتاب خود، نام کتاب وی را چنین یاد کرده‌اند: «نظم الدرر فی تناسب الآی و السور»، رک: کشف الظنون، حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۱۹۶۱.